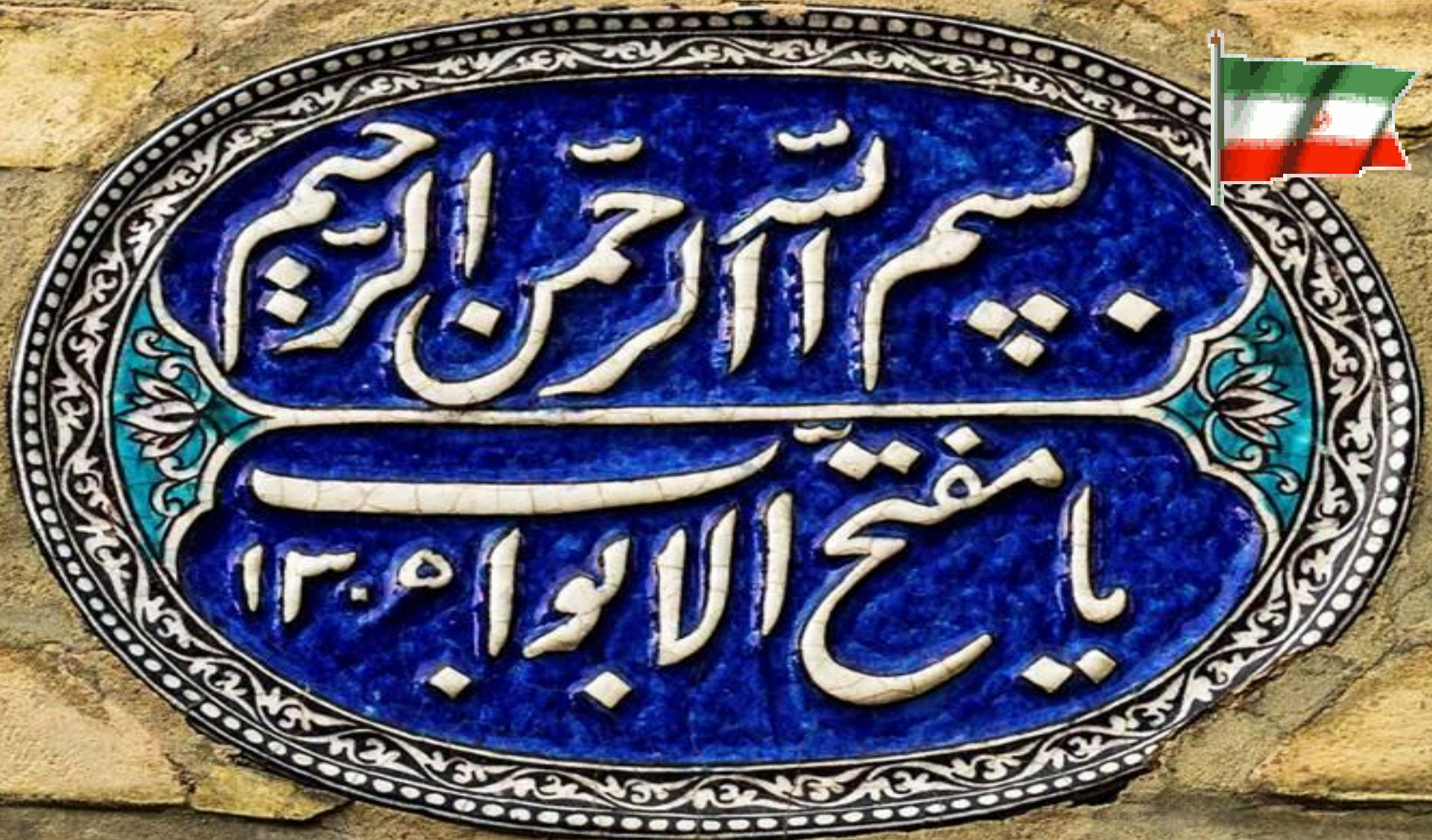




بسم الله الرحمن الرحيم

يا فتح الابواب



« حواشی همسر داری »



بخش سوم:

پیش یاز دهم:



عاملِ «پایداری» خانواده؟

پاسخ:



«پایداریِ خانواده»

به میزانِ «خودشناسی» و «تعهد»

و «مسئولیت‌پذیری» زن و شوهر بستگی دارد،

و اینکه در «فراز و نشیب زندگی»

چقدر بکوشند «وفادار» و «صبور»، باشند.

زیرا « **زندگی** »، مثل بازی کودکان است که
به حالتِ « **لی لی** » و با « **دستهای بسته** »،

به یکدیگر « **تنه** » می‌زنند،

و « **برنده** » و پیروز « **آنست** که

« **تعاادل** و **قیام** » خود را حفظ کند و « **نیفتد**. »

« حفظِ تعادل »،

شرطِ « موفقیت »

در « زندگی » است.





« حفظِ تعادل »،

شرطِ « موفقیت »

در « زندگی » است.

پرسش

دوازدهم:



« وفاداری » یعنی چه؟



پاسخ:



« وفاداری » یعنی:

« قابل اعتماد » و « قابل اِتِّکا » بودن،

و « اطمینان » به یکدیگر در زندگی مشترک،

رفتار و اخلاق « یکسان » در حضور و غیاب.

« وفاداری » یعنی:

« متعهد » ماندن در زمانی که

« همسر » به هر دلیل و در هر زمینه‌ای،

« قصور » و یا « تقصیری » دارد.

« وفاداری » یعنی:

« محروم » نکردن دیگری،

از « لذت‌های مجاز »،

و از « جذائیت‌های » یکدیگر.

« وفاداری » یعنی: « احترام » به:

« باورها » و « نیازها »،

و « شخصیت »،

و « حساسیت‌های » یکدیگر.

« وفاداری » یعنی:

« تعهدِ قانونی » به « همسر » را

« فدایِ » احسان به « والدین »،

و احترام به « بستگان و دوستان » نکردن.

کدام « تعهد »؟

« زن » خودش را برای « التذاذ »،

به « زوجیت » شوهر درآورده و « متعهّد » شده است.

او در « خطبه‌ای ایجابی » می‌گوید:

« زَوْجُتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ »

خودم را بر مبنای « مهریه مورد توافق »، بطور کامل به زوجیت تو درآوردم.

و «شوهر» هم (برای مهریه و تأمین: غذا و پوشاک و مسکن و امنیت و رفاه نسبی)،

به «زن، **ميثاقِ غليظ**» داده و «**متعهد**» شده است:

وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ

وَأُخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (نساء/ ۲۱)

و چگونه آن مهریه را می‌ستانید در حالی که

از یکدیگر لذت برده‌اید و آن زنان از شما پیمانی استوار گرفته‌اند.

نقشِ «مشکلات»:

گره

در زندگی دارید؟



« عوامل » تقویتِ « وفاداری »:

اول: تلاش پیگیر برای «**تقویتِ اراده**» خود.

دوم: تلاش پیگیر برای «**تقویتِ معرفت**» خود.

سوم: تلاش پیگیر برای «**تقویتِ ایمان**» خود.

چهارم: تلاش جدی برای «**رعایتِ به موقعِ قرارها**».

پنجم: تلاش برای انجام «**عبادت‌هایِ مشترک**».

ششم: «تشویق» هنرمندانه «نکات مثبت» همسر.

هفتم: «پرهیز» از «بدگوئی و عیبجوئی» از همسر.

هشتم: «تشکر» و قدردانی «از تلاش‌های» همسر.

نهم: «عذرخواهی» از «قصورهای» احتمالی.

دهم: اختصاص «فرصت مناسب» برای با هم بودن.

یازدهم:

« پرهیزِ دائمی » از:

۱- « دروغ »، ۲- « پنهانکاری »، ۳- « مقایسه »،

۴- « گفتار و رفتار تصنعی »،

۵- « توقع داشتن »، ۶- « منت گذاشتن ».

دوازدهم:

« مراقبتِ دائمی » در:

« پرهیز از ارتباطِ « غیر مجاز » با « نامحرم »،

به احترام « خود » در محضر « خدا »،

برای حفظ « طهارتِ » خود و پرهیز از « تهمت ».

سیزدهم: هر قدر «**محبت**» واقعی،

میان زن و شوهر بیشتر باشد،

قطعاً «**وفاداری**» هم میان آنها،

بیشتر خواهد بود. **چرا؟**

زیرا حضرت امام سجّاد صلوات الله علیه می فرمایند:

«إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يُحِبُّ، مُطِيعٌ»

عاشق، حتماً «مطیع» معشوق است.

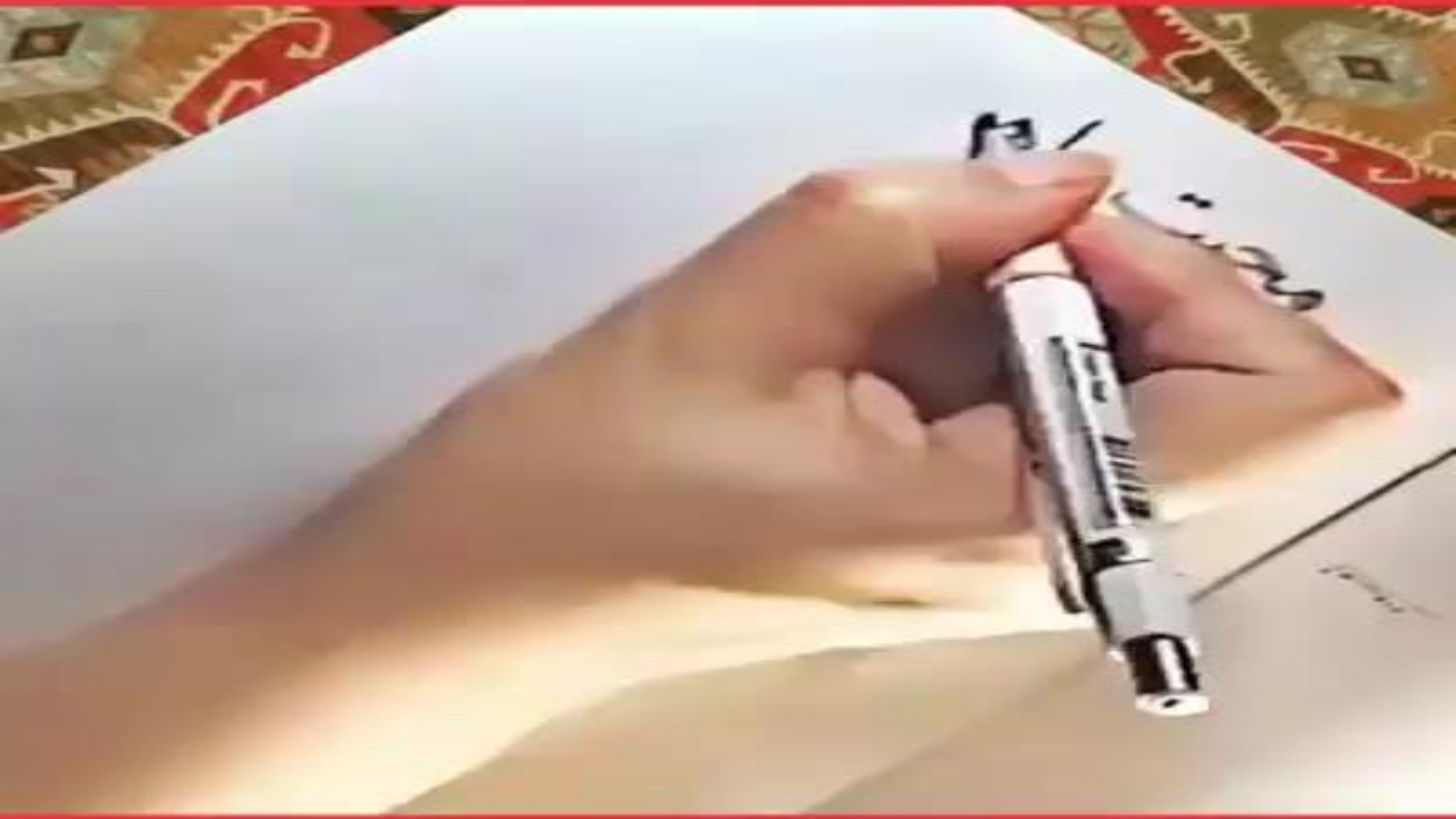
پس « **محبت** » در زندگی حرف اول را می‌زند،

زیرا اساس « **آفرینش** » بر « **محبت** » است،

و اساس « **هدایت** » هم بر « **محبت** » است،

و اساس و مقصد هر « **حرکتی** » هم،

به خاطر « **جاذبه** **محبت** » است:



لذا با اینکه خداوند، دلایل عقلی و فطری و طبیعی زیادی
در اثباتِ « توحید، معاد، نبوّت، امامت و عدل » در اختیار بشر گذاشته،
اما وقتی می‌خواهد **بندگان** را به نزدِ خود « **دعوت** » کند،
نمی‌فرماید: « ای پیامبر؛ به **بندگان** بگو: »
« حالا که خدا و بازگشت به سوی او را **شناختید** بیایید »،
بلکه می‌فرماید:

بگو اگر خدا را دوست دارید و به او عشق می‌ورزید،

به دنبالم بیایید:

قُلْ: إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ

فَاتَّبِعُونِي - (آل عمران / ۳۱)

و جالب اینکه « پاداش » این « محبت » هم « محبت » است:

قُلْ: إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي

يُحِبِّكُمْ اللَّهُ

وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (آل عمران / ۳۱)

تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را بیامرزد زیرا خدا آمرزنده مهربان است.

اما « **بلعم باعور** » با اینکه:

« خدائشناس و عارف » و « مستجاب الدعوه » بود،

و « **سامری** » هم با اینکه:

از « عرفای طراز اول » قوم حضرت موسی علیه السلام بود،

اما به « **باورها و معقول** » خود « **وفادار** » نماندند. **چرا؟**

« طلحه »، « زبیر »، « جعدہ »، « شمر »،

« عمر سعد » و « کوفیانِ دعوت کننده » هم

هیچکدام « نادان، جاهل، ابله، سفیه » نبودند،

اما به تعهداتِ خودشان، « وفادار » نماندند.

چرا؟

چون « **محبوب** »

و « **معقول** » آنها

« **یکی** » نشده بود.

گر به دولت بررسی، مَسْت نگردي، مَردي
گر به ذُلّت بررسی، پَسْت نگردي، مَردي

اهلِ عالم همه بازیچهٔ دستِ هَوَسَـنـد
گر تو بازیچه این دست نگردي، مَردي.

پیش

سیزدهم:



شرطِ « محبوب » شدن؟

پاسخ:



باید « گرانبها » شد.

چگونه « قیمتی » شویم؟

پاسخ:



أمیر المؤمنین صلوات الله علیه می فرمایند:

قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ

« ارزشِ » هر فردی، به آن چیزی است که:

آن را « تحسین » می کند.

پس چون تمام « اَسْمَاءُ زَیْبَا » برای خداست:

وَاللّٰهُ اَلْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی

اگر « تَوْجِه » ما هم فقط به خدا و او « مَحْبُوْب » ما باشد،
سرشار از « مَحَبَّت و گرانبها و مَحْبُوْبِ خَلْق » می شویم.

مثل:

پیش
چهاردهم:





عواملِ « طلاق » کدامند؟

پاسخ:



- ۱- « **بی بر نامه بودن** » و نداشتنِ « **مراقبت** ».
- ۲- نداشتنِ « **ابتکار** » و از بین رفتنِ « **اعتماد** ».
- ۳- « **دخالت** » اطرافیان خصوصاً « **مادرها** ».
- ۴- « **توقع** »، « **طلبکاری** » و « **مرور گذشته** ».
- ۵- « **إختلال** در **تغذیه** » و « **مباشرت** ».

۶- « **بداخلاقی**، **ایرادگیری** و **نق زدن** ».

۷- « **سوء تفاهم** » و « **قضاوت غلط** ».

۸- « **لجاجت** »، « **مقایسه** »، « **دهن بینی** ».

۹- انواع « **اعتیاد** »، « **عادت** »، « **خودخواهی** ».

۱۰- مسائل « **مالی** » و روابط « **غیر مجاز** ».



آن روز که یکدیگر را یافتیم،
یافتنمان هنر نبود.

هنر این است که یکدیگر را گم نکنیم...





خدایا؛

در تقویتِ «**اراده**، **ایمان**، **تعهد** و **محبت**» ما

ما را یاری کن،

و ما را از «**بی‌وفائی** و **بدعهدی**» حفظ فرما،

تا برای «**ظهورِ حق**» از هر نظر «**آماده**» شویم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ